

تحلیل گفتمان احتجاجات و مناظره‌های امام صادق(ع) ♦

حسن مجیدی¹
مهناز اعتضادی فر²

چکیده

هدف: هدف مقاله حاضر، شناسایی برخی از بایسته‌های برگزاری کرسی‌های نقد، نظریه‌پردازی و مناظرات علمی با بررسی مناظره‌های امام صادق(ع) بود. **روش:** این مقاله با بهره‌گیری از توانایی‌های تحلیل گفتمان انتقادی ون/دایک در قالب متغیرها و مقوله‌های عملیاتی، این مناظره‌ها را بررسی کرده است. **یافته‌ها:** دقت در مناظره‌های امام با نمایندگانی ادیان و فرق دیگر، با تمرکز بر مقوله واژگان، چشم‌انداز، استعاره، انسجام تاریخی، نقل قول، تأکید ساختاری و قطب‌بندی نشان می‌دهد که امام با وجود اثبات حقانیت و ابطال مدعیات طرفهای مناظره، از منازعه گفتمانی اخلاقی‌گریز بر حذر مانده و در کمال صراحت، دقت، ادب و احترام، نفس این مناظره‌ها را به عرصه‌ای برای اثبات حقانیت اسلام در برابر الحاد و دیگر ادیان، و حقانیت امامت و تشیع دوازده‌امامی در برابر مخالفان(زیدیان و معتقدان به خلافت) بدل کردند. **نتیجه‌گیری:** مواجهه امام صادق(ع) با متفکران دیگر مسلکها، مکاتب و مذاهب، به پیش چشم رهجویان راه حقیقت، جلوه روشنی از تضارب آرا و برخورد عالمانه با عقاید مخالف است. امام صادق(ع)، در مقام مؤسس مکتب فقهی شیعی، در احتجاجات خود از پیشگامان راه‌اندازی کرسی‌های آزاد بحث و مناظره علمی‌اند.

واژگان کلیدی: امام صادق(ع)، احتجاج، مناظره، امامت، تحلیل گفتمان.

♦ دریافت مقاله: 95/06/01؛ تصویب نهایی: 96/01/23.

1. دکترای علوم سیاسی، دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران بزرگراه شهید چمران پل مدیریت دانشگاه امام صادق(ع) دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی / نمابر: 88094921 / Email: majidi118@gmail.com
2. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهراء(س).

الف) مقدمه

امام صادق(ع) نقشی ویژه در شکل دهی به مذهب فقهی شیعی دارند. بخش مهمی از نظریات امامیه دربارهٔ امامت، از ناحیهٔ امام صادق(ع) تبیین شده و آموزه‌های منقول از آن حضرت، اساس دیدگاه‌های این مذهب در عموم مسائل اعتقادی - از جمله مباحث مربوط به امامت - را تشکیل داده است (پاکچی، 1389: 198). از این نظر، مذهب امام صادق(ع)، همان مذهب امام علی(ع) است که امامان دوازده گانه آن را حفظ کرده‌اند. به نظر می‌رسد انتساب این مذهب به شخص امام صادق(ع) و نامیدن آن به «مذهب جعفری»، برآمده از وضعیتی باشد که در آن مذاهب یکی پس از دیگری پدیدار می‌شدند و متداول‌ترین شیوه برای تمیز آنها از یکدیگر، انتساب آن به افرادی بوده است که بنیانگذار یا تدوینگر آن بودند. برخی از شواهد نشان می‌دهد که منتسب شدن این مذهب به امام صادق(ع)، در همان عصر حیات حضرت وجود داشته است (همان: 211). رویارویی اندیشه‌ها و هجوم افکار و عقاید یونانی، هندی و ایرانی و گسترده شدن عالم اسلامی، ضرورت اثبات حقانیت اسلام به روایت امامیه را با بهره‌گیری از ظرفیتهای مناظره پدیدار کرد.

«مناظره» واژه‌ای عربی و از ریشهٔ نظر (دیدن با چشم) است. صاحب «مقایس اللغة» ضمن اشاره به این معنا می‌افزاید که واژهٔ «نظر» توسعهٔ معنایی یافته و به معنای تدبّر و تفکر در یک امر نیز به کار رفته است (حسینی مبروفی، 1384: 21). در لغت‌نامهٔ دهخدا، واژهٔ «مناظره» به معنای با هم نظر کردن، فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی و با هم بحث کردن است. دهخدا معادل فارسی این واژه را «هم‌ویژاری»؛ یعنی «با هم گفتگو کردن» قرار داده است. طبق این کتاب، «مناظره» نظر از روی بصیرت و برای اظهار صواب است در باب نسبت موجود میان دو چیز. مناظره عبارت از توجه دو طرف بحث به اثبات نظر خود دربارهٔ حکمی از احکام و نسبتی از نسبتها برای اظهار و روشن کردن حق و صواب است.¹

از نظر اصطلاحی، مناظره نوعی گفتگو است که در آن دو طرف گفتگو می‌کوشند با بهره‌گیری از اصول پذیرفته‌شده، دیدگاه خود را اثبات و بطلان عقیدهٔ طرف مقابل را آشکار کنند؛ به وجهی که وی نتواند آن را انکار کند. این امر به درستی در مناظره‌های امام با نمایندگان ادیان و فرق آشکار است. در مناظره، طرفین به زیبایی سبک و اختصار در کلام اهتمام دارند و می‌کوشند تا عبارتهای آنان بیشترین معنای ممکن را به دوش کشد. بی‌شک مناظرات در تنوع فرهنگی و ترویج روح گفتگو بین علما مؤثر بوده است. مناظرات بین دو شخص یا بین تعدادی از افراد برگزار می‌شود. (آذرشب، 1382: 205)

مناظره، ابزاری اقناعی در ارتباطات میان‌فردی با ماهیت تعاملی است که در بیشتر اوقات به سمت تبادلی شدن نیز سوق می‌یابد. به نظر می‌رسد در دیدگاه امامان معصوم(ع)، اقناع به منزلهٔ بروز تغییر اندیشه‌ورانه،

181 ♦ تحلیل گفتمان احتجاجات و مناظره‌های امام صادق(ع)

آگاهانه و اختیاری در مخاطب است و ائمه هدی(ع) دیدی انسانی در جهت مصالح مخاطب به وی داشته‌اند. (سپنجی و مؤمن دوست، 1390: 22-24)

امام در برخورد با اندیشه‌وران با برهان و دلیل سخن می‌گوید و این ترجمان قرآن است که: «مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن» (نحل: 125). امام برهان کامل و حجت‌الله است و در برخورد با مردمی که اهل استدلال و برهان نیستند، با موعظه و خطابه و با مخالفان، با جدال احسن به تبلیغ دین می‌پردازند. (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، 1387: 10)

به هر حال، فضای مناظره عرصه مناسبی برای اثبات خود و نفی دیگری است؛ اما هدف از مناظره‌های امام، رسیدن به فهمی انتقادی و روشن از موضوع بحث و کمک به ارتقای خودآگاهی فرد شرکت‌کننده در مباحثه بوده است (همان). این مناظره‌ها فضایی فراهم آورد تا امام(ع) به اثبات حقانیت الوهیت در قبال مادی‌گری و الحاد، حقانیت اسلام نسبت به شرک، حقانیت شیعه در مقابل اهل سنت و حقانیت مذهب امامت در قبال معتزله بپردازند.

این مقاله درصدد است تا با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک، به بررسی وجوه زبانی مناظره‌های امام ششم(ع) با نمایندگان ادیان و فرق گوناگون بپردازد. متن مناظرات بررسی شده از کتاب *الاحتجاج* (طبرسی، 1381: 336-187) است.

ب) اصول و ویژگی‌های مناظره‌های امام صادق(ع)

1. متن زمانی مناظره‌ها

دوران حیات امام صادق(ع) دوران معرکه آرا و عقاید در گستره وسیع عالم اسلام است که دامنه آن به شرق و غرب جهان توسعه پیدا کرده بود. در این دوره، مکاتب مختلف فکری ادبی ظهور کردند: مکاتب نحوی بصره، کوفه و بغداد و مکاتب کلامی معتزله و اشاعره. همچنین ترجمه آثار یونانی، رومی، هندی و ایرانی؛ شکل‌گیری مکاتب فقهی حنبلی، شافعی و مالکی و گسترش شاخه‌های مختلف علوم طبیعی و فرق گوناگون در فضای نسبتاً باز ایجادشده، رونقی در علوم و فرهنگ اسلامی ایجاد کرد (آذرشب، 1392: 36-37). در عین حال، درگیری‌ها و منازعات بر سر قدرت در دوره انتقالی حاکمیت از امویان به عباسیان، فرصت مناسبی فراهم آورد تا امام صادق(ع) به تأسیس دانشگاه و مکتبی بزرگ با حضور هزاران شاگرد برای تبیین اسلام حقیقی همت گمارند. حضرت به علت اهمیت و کارایی شیوه بحث علمی و مناظره، از بحث با صاحبان و نمایندگان ادیان و فرق مختلف، به ویژه در زمانهایی مانند ایام حج، استقبال می‌کردند؛ در کنار این، به تدریس مهارت‌ها و شیوه‌های مناظره به دانشجویان خاص و اصحاب نزدیک خود می‌پرداختند و آنان را برای مقابله علمی با جریانهای انحرافی تشویق و تشجیع می‌کردند. تربیت افرادی مانند هشام، که هارون الرشید زبان او را در نفوس مردم کارگرتر از هزار شمشیر می‌دانست، یا فردی مانند علی بن محمد بن نعمان

182 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 71

بحلی کوفی، از دیگر برنامه‌های امام برای مقابله با افراد و گفتمانهای مقابل بود (سلیمان، 1384: 25-26). حضرت با شماری از متکلمان مذاهب و ادیان بحث و مناظره داشته و به اقتضای ماهیت مناظرات کلامی، در این مباحثات رویه‌ای متکلمانانه اتخاذ کرده است. (پاکچی، 1389: 199)

البته مورخان ادب عربی در دوره عباسی، توجه اندکی به مناظره‌های متکلمان، فقها و اصحاب ملل و نحل در این دوره کرده‌اند. برای نمونه، شوقی ضیف هیچ اشاره‌ای به مناظرات امام صادق (ع) ندارد و مناظرات هشام و مؤمن الطاق را نیز با تعبیر مناظرات شیعه غالی یاد می‌کند. (شوقی ضیف، 1982: 464-457)

در جمع‌بندی این بحث می‌توان گفت وجه ادبی مناظره، یکی از شاخه‌های نویسنده‌گی است که در دوره امام صادق (ع) به علت آزادی نسبی فراهم آمده و گسترش جریانه‌ها و گرایشهای گوناگون - در زمینه‌های مختلف اصول و فروع دین، فلسفه و کلام و حتی مسائل مربوط به زبان و نحو - به طور گسترده‌ای رواج یافت. البته بُعد ادبی و بلاغی در مناظرات امام، فرع بر اصل استدلال و استحکام کلام است. با این حال، توجه به محتوای کلام، امام را از زیبایی آن غافل نمی‌ساخت؛ کما اینکه بلاغت، همان درستی معنا و رساندن مقصود است و لذا اقتصاد در بیان، به معنای عمق و ایجاز کلام است. بنابر این، تصور امام از بلاغت، تصویری متعهدانه است و در درجه اول، مضمون را مورد توجه قرار می‌دهد. (اختری و عابدی، 1384: 159)

2. شیوه مناظرات

در تشریح شیوه مناظرات امام صادق (ع) می‌توان گفت که ایشان در دفاع از اصل توحید - با الهام از قرآن کریم - راهبرد اثبات علت از راه معلول و توجه به صنع خداوند را در پیش می‌گرفتند و با استدلال عقلی و منطقی و با بهره‌گیری از واژگان کوتاه، گویا و مستدل به بیان براهین خود می‌پرداختند. حضرت گاه از کلام خصم بهره می‌گرفتند و الزامات و نتایج منطقی آن را بیان کرده، وی را به نادرستی ادعای خود واقف می‌کردند. (رک: حسینی میروصفی، 1384: 240-218)

به طور کلی، الزام طرف مناظره با استفاده از دانسته‌های مردم، بهره‌گیری از تمثیل و تشبیه، برانگیختن نیروی خرد طرف مناظره، اثبات وجهه عقلانی احکام و اهمیت تفکر، اجازه پرسش و آزادی بحث، تأکید بر رعایت انصاف، تکیه بر دلایل متقن به جای استفاده از شیوه مغالطه، احترام و تکریم متقابل، بیان اصول و معیارهای کلی و عقلانی، استفاده از شیوه جدل برای ارشاد، هدایت نظم منطقی مباحث و سامانه علمی، و الزام طرف مقابل به پذیرش اشتباه خود، از مختصات مناظره‌های امام محسوب می‌شود. (تقی‌زاده و رضاداد، 1386: 122-114)

اصول استنتاجی مطرح شده در مناظره‌های حضرت، مؤید این امر است که خود مناظره و روند آن، برای ایجاد فهم مشترک از مسائل، آگاهی بخشی و ایجاد نگرش عقلانی است. همچنین روش مناظره‌های آن حضرت، بیشترین تأثیرات آموزشی را بر طرف مقابل می‌گذاشت. این روش بر سه پایه استوار بود:

دعوت به پرسش، همگام شدن با مخاطب و هدایت مخاطب در مواقعی که با بن‌بست فکری مواجه می‌شود، (هاشمی اردکانی و میرشاه جعفری، 1387: 20)

ج) روش تحلیل گفتمان

درباره به کارگیری روشهای تحلیل گفتمان، دیدگاه واحدی وجود ندارد و برخی پژوهشگران بر وجوه سازگار و ناسازگار آن با اندیشه اسلامی پرداخته‌اند (بهروزی لک، 1388: 581-539)؛ اما به باور نگارنده، آنچه از انواع گوناگون تحلیل‌های گفتمانی می‌توان بهره گرفت و فاقد بسیاری از محدودیتهای متصور در این روش است، تمرکز بر زبان متن، واژگان و فضای حاکم بر روابط واژگان است. از این رو، این مقاله با در نظر گرفتن برخی ملاحظه‌ها، از روش تحلیل انتقادی گفتمان بهره گرفته است.

مطالعه واحدهای کوچک‌تر از جمله، وظیفه دستور زبان و مطالعه واحدهای بزرگ‌تر از جمله، موضوع تحلیل گفتمان است. از نظر سارا میلز، گفتمان، جزء یا قطعه گسترش یافته متن است که واجد شکلی از سازمان درونی، یکپارچگی یا انسجام است (میلز، 1382: 17). در رویکرد دیگر، گفتمان را بافتی تعریف می‌کند که پاره‌گفتارهای خاص در بستر آن به وقوع می‌پیوندند (مانند گفتمان مذهبی، گفتمان تبلیغات)؛ این بافتها یا زمینه‌های تولید متون، شاکله‌های درونی متون خاص تولیدشده را تعیین خواهند کرد. (تاجیک، 1378: 84)

گفتمان، چارچوب و نظام معرفتی است که از طریق زبان اعمال می‌شود. گفتمان، ترکیب دانش و قدرت است: به عبارتی؛ گفتمان نوعی دانش و معرفت را تولید می‌کند که به استقرار و استمرار مناسبات قدرت بیايد. هر دانشی برخاسته از مناسبات قدرت و در عین حال، گسترش و تثبیت آن مناسبات است.

یکی از رویکردهای گفتمانی که به تحلیل رخداد‌های اجتماعی - سیاسی می‌پردازد، تحلیل انتقادی گفتمان است. بنیاد تحلیل انتقادی گفتمان را می‌توان در زبان‌شناسی انتقادی یافت. تحلیلگران انتقادی گفتمان تلاش دارند تا درهم‌تنیدگی کنشهای گفتمانی - زبانی را با ساختارهای سیاسی - اجتماعی در سطح گسترده‌تر قدرت و حاکمیت به تصویر کشند (آقاگل‌زاده، 1385: 147). تحلیل گفتمان انتقادی، خود را به لحاظ سیاسی بی‌طرف نمی‌داند (آن‌طور که علم اجتماعی عینیت‌گرا خود را بی‌طرف می‌داند)، بلکه خود را رویکردی انتقادی به شمار می‌آورد که به لحاظ سیاسی متعهد به تغییر است. (بورگسن و فلیس، 1389: 115-110)

یکی از چهره‌های اصلی تحلیل انتقادی گفتمان، ون‌دایک¹ است. فن‌دایک در تحلیل انتقادی گفتمان، مثلث جامعه، شناخت و گفتمان را ارائه داد که مبنای رویکرد متمایز وی؛ یعنی رویکرد اجتماعی - شناختی،

قرار گرفت. او گفتمان را در معنای عام، رویدادی ارتباطی در نظر می‌گیرد؛ مانند تعامل محاوره‌ای، متن نوشتاری، تصاویر و جنبه‌های نشانه‌شناختی و چندرسانه‌ای مرتبط با دلالت معنایی.

شناخت با شناخت فردی و اجتماعی، باورها و اهداف و همچنین ارزیابی‌ها و احساسات مرتبط است (سلطانی، 1384: 58). معانی به اشکال گوناگون در ساختارهای سطحی متون بیان می‌شوند؛ مواردی مانند «انسجام واژگان، عبارت‌ها و ساختار جمله، رده‌بندی‌های نحوی، نحوه چینش واژگان، آهنگ گفتمان، سازه‌های گرافیکی و سازمان آبرساختارها در طرح‌واره‌های رایج مانند ساختارهای روایت، استدلال یا گزارش‌های خبری از این دست هستند» (وندایک، 1998: 45). بنابر این، بسیاری از ساختارهای معنایی و عقاید ضمنی آنها از بررسی ساختارهای سطحی به وجود می‌آید. همزمان باید معانی به حاشیه رانده‌شده را نیز بررسی کرد و معانی ناشی از غیاب آنها را نیز مد نظر قرار داد.

1. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

یکی از مراحل اساسی در تحلیل گفتمان انتقادی، عملیاتی کردن مباحث نظری یا به عبارتی؛ تعیین متغیرها به منظور تحلیل متن و گفتمان است. مسئله اصلی این است که: تحلیل گفتمان انتقادی چگونه ادعاهای نظری خود را به ابزارها و روشهای تحلیلی تبدیل می‌کند؟ به طور خاص، میانجی‌گری میان نظریه‌ها و مفاهیم کلان و موارد و مصادیق ملموس و عینی - که هسته و کانون تحلیل در تحلیل گفتمان انتقادی را تشکیل می‌دهند - مورد تأکید است.

این پژوهش با استفاده از دیدگاهها و شیوه تحلیلی وندایک سامان یافته است. متغیرها و مقوله‌هایی که وی در تحلیل گفتمان انتقادی و متون رسانه‌ای به کار برده، عبارتند از: واژگان؛ استعاره؛ کنایه؛ بزرگ‌نمایی؛ حسن تعبیر؛ تخفیف دادن و جابه‌جا کردن؛ منافع؛ نقل قول؛ ناگفته‌ها؛ چشم‌انداز (منظر)؛ انسجام کلی (درون‌مایه‌ها)؛ قطب‌بندی؛ پیش‌فرضها؛ معانی ضمنی و تأکید ساختاری.

در این پژوهش، به منظور رعایت اختصار و با توجه به شأن امام معصوم (ع) - دوری از روشهای غیر اخلاقی غیریت‌سازی - و تناسب با موقعیت ایشان، در تحلیل گفتمان مناظره‌های امام صادق (ع)، صرفاً از مقوله‌های واژگان، چشم‌انداز، استعاره، انسجام تاریخی، نقل قول، تأکید ساختاری، معانی ضمنی و قطب‌بندی بهره گرفته شده است.

2. تعریف مقوله‌ها و متغیرها

یک) واژگان:¹ واژگان نقش بسیار مهمی در گفتمان دارند. واژگان گوینده یا نویسنده، دقیقاً با قدرت، موقعیت سیاسی، اجتماعی و اخلاقی او، یا به عبارت دقیق‌تر؛ با وزن اجتماعی او سنجیده می‌شود. اینکه فرد چه واژه یا کلمه‌ای را برای بیان مقصودش برمی‌گزیند، تا حد بسیار زیادی به موقعیت شخصی، اجتماعی و سیاسی او بستگی دارد. از آنجا که بخش عمده‌ای از این موقعیت، ایدئولوژی‌بنیاد است، تجلی واژه‌ها در گفتار و نوشتار، دیدگاه و عقاید وی را در خصوص موضوع مورد بحث نشان می‌دهد.

گونه‌های مختلف گفتمان با توجه به موضوع، هدف و عوامل دیگر، با انواع واژگان خاص تجانس دارد. تحلیل عناصر واژگانی، شناخته‌شده‌ترین راه مطالعه اندیشه‌هاست که ممکن است برای بیان قضاوت ارزشی به کار رود. فن/دایک می‌گوید: برخی از واژه‌ها به شکل طبیعی برای بیان یک نظر به کار می‌روند (مانند زشت، زیبا و غیره)؛ اما برخی دیگر به نظامهای ارزشی و معرفتی پنهان در پیش‌فرضها بستگی دارند (مانند: مسلمان، کافر و غیره) (فن‌دایک، 1998: 31). واژگان انتخاب‌شده بیان‌کننده ارزشها و هنجارها هستند و برای قضاوت ارزشی استفاده می‌شوند.

دو) استعاره:² از استعاره به عنوان ابزاری برای انتقال معنا و درک بهتر مفاهیم و پدیده‌های ناشناخته و پیچیده بهره می‌برند. این ابزار زبان‌شناختی با محسوس کردن مفاهیم انتزاعی و پیچیده به فهم درست‌تر و بهتر آنها کمک می‌کند. مهم‌ترین کارکرد شناختی استعاره عبارت است از فراهم ساختن درک از یک مفهوم انتزاعی، از طریق مفهومی ملموس‌تر. در استعاره، رابطه میان چیزها از راه قیاس مطرح می‌شود. یکی از رایج‌ترین صور استعاره، تشبیه است.

سه) نقل قول:³ نقل نوشتار یا گفتار شخص حقیقی یا حقوقی، مستقیم یا غیر مستقیم، به منظور مستند کردن متن و مجاب کردن مخاطب.

چهار) چشم‌انداز(منظر):⁴ هر متنی، از چشم‌انداز و منظری خاص سخن می‌گوید؛ چشم‌اندازهایی مانند حقانیت(حق)، ایمان(مؤمن) و غیره. با توجه به متن، می‌توان دریافت که نویسنده از چه منظری به قضایا می‌نگرد.

پنج) انسجام کلی(درون‌مایه‌های متن):¹ انسجام کلی از طریق آنچه سرفصل و درون‌مایه‌های متن می‌انگاریم، بیان می‌شود. سرفصلها از نظر مفهومی خلاصه متن‌اند و مهم‌ترین اطلاعات آن را مشخص می‌کنند. از لحاظ نظری، سرفصلها حکم کلان‌گزاره‌های معنایی را دارند.

1. Lexical Items
2. Metaphor
3. Quotation
4. Perspective

نش (تأکید ساختاری:² در متن، بر کنشها و عقاید منفی «دیگران» و کنشها و عقاید مثبت «خود» تأکید می‌شود.

هفت) قطب‌بندی:³ آنچه در فحوای تمام ساختارهای گزاره‌ها شکل می‌گیرد، اولین راهبرد کلی بیان نگرشهای مشترک گروه‌محور و ایدئولوژی‌ها از طریق مدلهای ذهنی است. این استراتژی، قطبی‌سازی نامیده می‌شود که بر توصیف مثبت درون‌گروهی و توصیف منفی برون‌گروهی استوار است. (همان: 33)

د) مقوله‌ها و متغیرها در مناظرات امام صادق (ع)

1. واژگان

واژگان نقش بسیار مهمی در گفتمان دارند. واژگانی که معصومین (ع) به کار می‌برند دقیقاً با منزلت، قدرت، موقعیت سیاسی، اجتماعی و اخلاقی ایشان تناسب دارد. تجلی واژه‌ها در گفتار و نوشتار، دیدگاه و عقاید امام را در مواجهه با مخالفان و نیز تشنگان هدایت نشان می‌دهد.

استدلالات امام صادق (ع)، دایره واژگان مورد بهره‌برداری ایشان را نشان می‌دهد. دقت در مناظرات و احتجاجات امام نشان می‌دهد که ایشان رویکردهای مختلفی در موقعیتهای گوناگون داشته‌اند؛ اما رویکرد عقلی و استدلال مبتنی بر عقل، برای غیر معتقدان به اسلام، در کنار رویکرد نقلی ایشان در استناد به آیات و روایات صادره از رسول اعظم (ص) برای معتقدان به اسلام، دایره واژگانی حضرت را بر عقل و نقل، متمرکز ساخته است. البته بسیاری از اوقات نیز پرسشهای طرف مقابل، تا حد زیادی، نوع و دایره واژگان پاسخ را تعیین می‌کرد؛ چنان‌که در مناظره با زندیق از واژگان عقلانی - چون درک، صانع، حواس پنج‌گانه، نفی، عدم، مخلوق، مصنوع، عاقل، انکار و حدوث و قدم عالم - استفاده کرده‌اند. همچنین در مناظره با عبدالملک ابوعبدالله مصری - که اعتقادی به خدا نداشت و ظاهراً دهری‌مسلك بود - به استدلالی که بعدها برهان نظم خوانده شد، توسل کردند؛ لذا دایره واژگانی مورد استفاده ایشان در حوزه امور ملموس و محسوسی مانند زمین، آسمان، روز، شب، خوشید و ماه متمرکز شد و فرد دهری بعد از اینکه در استدلال درماند، مسلمان شد. امام در مناظره با ابن ابی‌العوجا نیز - که منکر خدا بود و طواف دور کعبه را به سخره گرفته بود - به تاریخچه آفرینش کعبه قبل از حیات در کره زمین پرداختند و آن را نشانه‌ای برای عبودیت انسانها معرفی کردند؛ همچنین از واژگانی چون حدوث و قدم عالم بهره گرفتند. شناساندن خدا به خدا ناباوران کار دشواری است که امام با ادله عقلی بدان پرداختند و ذات الهی را با صفاتی چون وحدانیت و حکمت شناساندند.

1. Global Coherence
2. Structure Emphasis
3. Polarization

2. استعاره

همچنان‌که گذشت، مهم‌ترین کارکرد شناختی استعاره عبارت است از فراهم ساختن درک از یک مفهوم انتزاعی از طریق مفهومی ملموس‌تر. در استعاره، رابطه میان چیزها از راه قیاس مطرح می‌شود. یکی از رایج‌ترین صور استعاره، تشبیه است. زبان عربی از جمله استعاری‌ترین زبانهای دنیاست. در دین اسلام که معجزه‌اش قرآن و اعجاز کلامی و بیانی آن است، بهترین و رساترین تمثیل‌ها و استعارات به کار رفته است و امام معصوم(ع) - به منزله خزانه‌دار علم الهی - بیش از هر فرد دیگری بر زبان و بیان احاطه و اشراف دارند. امام صادق(ع) نیز در مناظرات خود از قدرت و ظرفیتهای استعاره بهره فراوان گرفته‌اند.

عبدالله دیصانی ملحد، در مناظره با امام از تمثیل تخم مرغ استفاده کرد و امام نیز همین تمثیل را بر ضد خود او به کار بردند. وی ابتدا در مناظره با هشام، شاگرد امام(ع)، از وی می‌پرسد: آیا خدای تو قاهر و تواناست؟ هشام جواب می‌دهد: بلی. دیصانی می‌گوید: آیا این خدای تو نمی‌تواند دنیا را در یک تخم مرغ جای دهد، به نحوی که نه تخم مرغ بزرگ شود نه دنیا کوچک؟ هشام درماند و از امام صادق(ع) کمک گرفت. امام اندازه چشم هشام را از او پرسید. هشام جواب داد که مرکز چشم من به اندازه یک عدس است. امام گفتند: به اطراف نگاه کن! چه می‌بینی؟ هشام گفت: آسمان و زمین و خانه‌ها و نه‌رها را می‌بینم. امام فرمودند: آنکه قادر است این همه را در چشم تو جای دهد، می‌تواند دنیا را در تخم مرغ جای دهد، به نحوی که بزرگ یا کوچک نشوند. هشام این پاسخ را به دیصانی می‌دهد و دیصانی خود به نزد امام می‌آید. امام تخم مرغی را از کودکی عاریه می‌گیرد و به دیصانی می‌فرماید: این تخم مرغ، قلعه‌ای است که پوست کلفتی دارد و زیر آن پوست کلفت، پوست نازکی است؛ زیر پوست نازک طلایی است و روان. کسی نمی‌داند این تخم مرغ سالم است یا نه. اما اگر جوجه‌ای از آن بیرون آید، تو برای آن مدبری درک می‌کنی؟ اینجا دیصانی درماند و شهادتین را جاری کرده و مسلمان شد.

امام در مناظره با ابوحنیفه برای رد قیاس از نظر وی، تمثیلهای و مصداقهای مشخصی ذکر می‌کنند؛ مثلاً می‌پرسند: آیا قتل، گناه بزرگ‌تری است یا زنا؟ ابوحنیفه می‌گوید: قتل. امام می‌فرمایند: پس چرا برای قتل دو شاهد کافی است، ولی برای زنا چهار شاهد لازم است؟ در اینجا ابوحنیفه درمی‌ماند. یا می‌پرسند: زن قوی‌تر است یا مرد؟ ابوحنیفه می‌گوید: مرد. امام می‌فرماید: پس چرا ارث مرد دو برابر زن است؟ باز ابوحنیفه درمی‌ماند. امام می‌پرسند: نماز واجب‌تر و بزرگ‌تر است یا روزه؟ ابوحنیفه می‌گوید: نماز. امام می‌فرمایند: پس چرا نماز بر حائض واجب نیست و قضا ندارد، اما روزه وی باید قضا شود؟ در این موضع نیز ابوحنیفه پاسخی ندارد. چنین مثالهایی همچنان‌که برای اثبات عقیده درست به کار می‌رود، برای انکار عقیده و استدلال غلط - مانند قیاس - نیز به کار رفته است.

فرد زندیقی در مناظره با امام، انسان را به چراغ قیاس می‌کند. وی می‌گوید: وقتی چراغ خاموش شد نورش بر نمی‌گردد، پس چرا شما معتقدید وقتی انسان مُرد، [در قیامت] روحش به بدنش برمی‌گردد؟ امام در پاسخ می‌فرماید: این قیاس درست نبود؛ چون آتش در میان همه اجسام پنهان است. آتش در اجسام ثابت است و نور، رونده است. روح مثل چراغ نیست. جسم، قالب روح است. این روح بعد از مرگ در کنف فرشته قبضه‌کننده است تا زمانی که انسان برانگیخته شود. در ادامه، امام برای شناساندن روح به تمثیل باد و مشک روی می‌آورند: روح به منزله بادی است که در مشک باشد، گاهی که در مشک بدمند، به وزن خود مشک اضافه نمی‌کند و اگر هم باد خالی شود، از وزن خود مشک کاسته نمی‌شود.

در یکی از مناظره‌های حضرت، ابن ابی‌العوجا با استناد به آیه قرآن که «هرگاه پوست تنشان بپزد، پوستی دیگرشان دهیم، تا عذاب خدا را بچشند» (نساء: 56)، اشکال می‌کند که: پوستی که گناه کرده به آتش می‌سوزد، اما پوست تازه در جهنم به چه گناهی در آتش می‌سوزد؟ امام از تمثیل خشت استفاده می‌کند که اگر فردی آن را در هم شکند و باز آن را گل کند و دوباره خشت بزند، اصل این خشت ثابت است و خشت جدیدی نیست؛ لذا اصل پوستی که می‌سوزد یکی است. این پوست دوباره ترمیم می‌شود و دوباره می‌سوزد تا طعم عذاب الهی را بچشد؛ هرچند اصل، عذاب روح است و جسم یک وسیله است. گفتنی است که در یکی از مناظرات امام رضا(ع) نیز یکی از مدعیان این اشکال را مطرح می‌کند و حضرت همین پاسخ را می‌دهند.

امام صادق(ع) در مناظره با زندیق مصری، خدا را به نور تشبیه می‌کند. در مناظره دیگری با وی، در جواب به اینکه چرا خدا دیده نمی‌شود، از تمثیل ساختمان هم استفاده می‌کنند؛ حضرت برای اثبات آفریننده عالم می‌فرماید: وقتی به ساختمان مرتفعی می‌نگری، ابتدا پی به سازنده آن، هر چند ندیده باشی نمی‌بری؟ در این هنگام، زندیق پاسخی نمی‌یابد. این فرد در مناظره با امام، آیاتی از قرآن را دال بر جسمانی بودن خداوند دانسته بود (ط: 5). امام در پاسخ وی، نیاز خدا به مکان یا هر چیزی از مخلوقات را نفی کردند؛ یعنی استدلال تمثیلی رقیب را با استدلال عقلی پاسخ گفتند. امام برای اثبات واحد بودن خداوند و کثرت نامهای خدا نیز از تمثیل استفاده کردند: نان، نامی است برای خوردنی، آب نامی است برای نوشیدنی، لباس نامی است برای پوشیدنی و آتش نامی است برای سوزاننده؛ خدا واحد است اما نامها کثیرند؛ هر کدام از نامها را باید معبودی باشد، ولی خدا خود معنایی است که این نامها بر او دلالت می‌کند و همه غیر خود او باشند. (طبری، 1381: 194)

امام در اثبات قیامت هم قصه اصحاب کهف و یکی از پیامبران (حزقیل) را مثال می‌زنند که قرن‌ها بعد از مرگ به دنیا برگشته بود (همان: 227). امام در رد مدعای ابن ابی‌العوجاء در فلسفه حج و طواف کعبه که این کار را لغو می‌دانست، می‌فرماید: این خانه که خدا خلق خود را توسط آن به پرستش واداشته، بدین جهت است تا فرمانبری ایشان را بیازماید و به تعظیم و زیارت تشویق کند. خداوند، کعبه را مرکز پیامبران و قبله نمازگزاران ساخته؛ کعبه، شعبه‌ای است از رضوان الهی و راهی است برای آمرزش و غفران او. (همان: 198)

189 ♦ تحلیل گفتمان احتجاجات و مناظره‌های امام صادق(ع)

زندیقی از امام پرسیده بود چرا در قرآن آمده است که بهشتیان از میوه بهشت می‌خورند و به محض خورده شدن، آن به همان شکل و هیئت سابق برگردانده می‌شود؟ امام در پاسخ خود از تمثیل چراغ استفاده می‌کند که فردی از آن آتشی می‌گیرد، بی‌آنکه از نور آن کم شود. وی در ادامه می‌پرسد که: چگونه حوریان بهشتی از پشت جامه‌های هفتادگانه دیده می‌شوند؟ امام با استفاده از تمثیل آب می‌فرماید: مانند سکه‌های نقره که در آبی صاف حتی به عمق یک نیزه دیده می‌شوند. (همان: 251-250)

3. چشم‌انداز

چشم‌انداز امام به موضوعات و پرسشهای مطرح در مناظرات، چشم‌انداز حجت خداست که وظیفه هدایت خلق و آشکار کردن علم خود را ادا می‌کند. امام می‌فرماید: «ما معتقدیم که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند و حجت جز از پشت انبیا نیست... و ایشان افراد برگزیده و پاک جوهرند... خداوند ایشان را در چنان موضعی قرار داد که از لحاظ درجه و شرف بالاترین است. پس هر که خزانه‌دار علم الهی و امین غیب و اسرار و حجت بر خلق و ترجمان و لسان خدا شد، جز این صفات را ندارد. حجت خدا با علمی که نزد اوست و از رسول خدا(ص) به ارث برده است، جانشین پیامبر می‌شود». (همان: 205-204)

امام در ادامه تصریح می‌کنند که علم حجت خدا به تنهایی بیشتر از امکاناتی است که مردم برای بقای خود دارند. لذا در پاسخ زندیقی که تکلیف مردم را در برابر این حجت خدا پرسیده بود، فرمودند: باید به او اقتدا شود؛ در این صورت خیرات یکی بعد از دیگری از ایشان سر بزنند. (همان: 206)

امام(ع) بارها میراث خود - میراثی به جز علم - از پیامبر(ص) را چونان سندی بر حقانیت خود دانسته‌اند؛ میراثی چون سلاح، پرچم و زره پیامبر. ایشان این استدلال را برای اثبات نادرستی ادعای مخالفت امامت به کار می‌بردند (همان: 303-302). امام پیوسته می‌گفتند که علم ما مربوط به گذشته و آینده است؛ در مصحف فاطمه(س) (که نزد امام است)، تمام پیش‌آمدهای آینده مذکور بوده و اسامی تمام حاکمان تا روز قیامت ثبت شده است. (همان: 304)

4. انسجام کلی

انسجام کلی از طریق آنچه سرفصل و درون‌مایه‌های متن می‌انگاریم، بیان می‌شود. سرفصلها از نظر مفهومی، خلاصه متن‌اند و مهم‌ترین اطلاعات آن را مشخص می‌کنند. از لحاظ نظری، سرفصلها حکم کلان‌گزاره‌های معنایی را دارند. نقطه آغاز و انجام مناظرات امام به نحوی است که سرفصلها و مهم‌ترین اطلاعات، با نظم و ترتیب بیان می‌شوند و با همراه کردن طرف مناظره، مسیر مناظره را تا به بن‌بست کشاندن وی، هدایت می‌کنند. استدلال عقلی و نقلی، بهره‌گیری از تمثیل و پرسش و سند گرفتن از طرف مناظره، در مجموع به مناظرات امام انسجام و استحکام می‌بخشد. در پیش گرفتن مناظره تک به تک از سوی امام، باعث تمرکز فرد در ارائه پیام و مانع از طرح مسائل جانبی از سوی ناظران می‌شد. همچنین، ارائه منبع و

مرجع معتبر در طرح سؤال و پاسخ، نیاز اصلی مناظره علمی، مستدل و منسجم است که امام به آن ملتزم بودند؛ امام رضا(ع) نیز این شیوه را در پیش گرفتند. (سپنجی و مؤمن دوست، 1390: 21)

5. نقل قول

با توجه به محاجه طرفهای امام، نقل قولهای ایشان متفاوت است. طبیعی است که در محاجه با مسلمانان غیر شیعه، امام از سر آموزش به شاگردان خود، استناد به آیات قرآن و احادیث پیامبر(ص) را در اولویت می‌گذاشتند؛ اما با نمایندگان دیگر ادیان یا منکران خداوند، به ادله عقلی استناد می‌جستند. بنابر این، بیشترین نقل قولهای امام از آیات قرآن است؛ به ویژه در مقایسه با امام رضا(ع) که با نمایندگان ادیان ابراهیمی مناظرات بیشتری داشته و لذا به کتب آسمانی آنها استناد بیشتری می‌کردند (ر.ک: مجیدی 1392). امام صادق(ع) در مناظره با نمایندگان دیگر فرق، بیشتر به کتاب آسمانی مسلمانان استناد داده‌اند؛ یا اگر غیر مسلمانانی برای تخطئه آیات قرآن، برخی فرازهای کلام الهی را مورد استفاده قرار می‌دادند، امام با ادله عقلی و نقلی یا استناد به دیگر آیات، پاسخ آنها را می‌دادند. برای مثال، وقتی زندقی این آیه را که «خداى رحمان بر عرش استیلا دارد» (طه: 5)، دال بر مکان‌مند بودن خدا می‌دانست، امام به این آیه استناد کردند که: «کرسی او آسمانها و زمین را در بر دارد» (بقره: 255). یا برای تفسیر آیه «چشمها او را نمی‌بینند و او بینندگان را می‌بیند» (انعام: 103)، برای توضیح مفهوم بصر که به معنای فهم است، آیه 104 سوره انعام را نقل کردند: «از سوی پروردگارتان برای شما نشانه‌های روشن آمد. هر که از روی بصیرت می‌نگرد به سود اوست» (طبرسی، 1381: 202)

6. تأکید ساختاری

امام صادق(ع) در نفی گمراهان و خطاب به ابن ابی العوجاء می‌فرمایند: هر که خدا گمراهش ساخته و دلش را کور نموده است، حق بر او تلخ می‌آید و آن را شیرین نداند؛ و در نهایت، شیطان دوستش شده و او را به وادی فلاکت افکند و از آنجا خارجش نسازد (همان: 198). در اینجا امام به روشنی بر حقانیت خود تأکید کرده و به ابن ابی العوجاء می‌فرمایند: اگر حق آن باشد که تو می‌گویی - هرچند نیست - ما و شما همگی رستگاریم، اما اگر حق چنان باشد که ما می‌گوییم - و چنان هم هست - ما رستگاریم و تو هلاک. (همان: 200)

امام در مناظره با سعد یمنی که مدعی بود از عالمان ستاره‌شناس است، با پرسشهایی او را به جهل خود آگاه می‌کند. سعد اقرار می‌کند که عالم مدینه از عالم یمن برتر بوده و سخن امام درست است. (همان: 256)

امام در برابر منسوبان و بستگان مدعی امامت نیز در صدد اثبات حقانیت خود برآمدند. ایشان در برابر دعوی زید بن علی و برخی نوادگان امام حسن(ع) مجبور به اثبات حقانیت خود بودند. زیدیان مدعی بودند که شمشیر رسول خدا(ص) که نشانه میراث آنان و حقانیت راه آنان است، نزد آنهاست. امام در رد ادعای آنان می‌فرماید: اگر راست می‌گویید، این شمشیر چه نشانه‌ای دارد؟ همانا شمشیر، خود، پرچم و زره پیامبر(ص)، الواح و عصای موسی(ع) و طشت قربانی او و انگشتر سلیمان(ع) نزد من است. همانا داستان

تحلیل گفتمان احتجاجات و مناظره‌های امام صادق(ع) ♦ 191

سلاح پیامبر مانند داستان تابوت است در بنی اسرائیل، و این سلاح به هر که از خانواده ما رسد، امامت به او داده می‌شود. (همان: 302-303)

7. قطب‌بندی

استراتژی قطبی‌سازی، بر توصیف مثبتِ درون‌گروهی و توصیف منفی برون‌گروهی دلالت دارد. دقت در مناظرات امام، دوقطبی حق و باطل را نشان می‌دهد. در بسیاری از موارد، امام با باطل ساختن مدعیات منکران اسلام حقیقی، بر حقانیت خودشان تأکید می‌کردند. اثبات حقانیت اسلام در برابر ملحدان و مدعیان دیگر ادیان، اثبات حقانیت مذهب امامیه در برابر دیگر فرق - که اوج آن در محاجه با ابوحنیفه متجلی است - و حتی اثبات حقانیت خود در برابر دیگر مدعیان امامت - مانند زیدیان - مناظرات امام را به عرصه اثبات حقانیت تشیع حقیقی جعفری در برابر دیگر مذاهب بدل ساخت. حضرت بارها و بدون واهمه، بر نادرستی سنت مخالفان تأکید داشتند؛ اما در مواردی، به برخی از یاران خود شیوه توریه را برای حفظ جان تأیید می‌کردند. (همان: 297)

امام صادق(ع) در بیانات خود، ایمان، یقین و استحکام باور خود نسبت به وحدانیت خدای متعال را به طرفهای مناظره تفهیم می‌کردند. به طور مثال، در مناظره با زندیق مصری فرمودند: ما هرگز در باب خدا شک نداریم (همان: 196). نیز در برابر ابن ابی‌العوجاء فرمودند: هر که خدا گمراهش ساخته و دلش را کور نموده، حق بر او تلخ آید؛ و در نهایت، شیطان دوستش شده و او را به هلاکت می‌افکند (همان: 198). در همین مناظره، امام به طرف مقابل می‌فرمایند: اگر حق با تو باشد - و ما به عبث طواف کعبه می‌کنیم - که نیست، ما و شما همگی رستگاریم؛ و اگر حق با ما باشد، ما رستگاریم و تو هلاک (همان: 200). امام در ادامه اثبات خود و نفی دیگران، بر حجت بودن معصومین(ع) تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: امکاناتی که مردم برای بقای خود دارند، بسیار کمتر از چیزهایی است که حجت‌های الهی از علم پیامبر در دست دارند. (همان: 205)

حضرت در مناظره با زندیق می‌فرمایند: شریف، فرد پرهیزکار است و ضعیف، فرد گناهکار. امام در احتجاجات خود با فرد زندیق، دوگانه‌های ایمان و کفر، عالم و جاهل و سعادت و شقاوت را از هم متمایز ساختند (همان: 244). ایشان از سعید بن ابی‌الخضیب که با ابن ابی‌لیلی قاضی از یمن خدمت امام رسیده بود، پرسیدند: به چه وسیله‌ای قضاوت می‌کنی؟ وی می‌گوید: از احادیث پیامبر(ص) و شیخین استفاده می‌کنم. امام صادق(ع) می‌فرمایند: چطور بر غیر قضای علی(ع) که پیامبر(ص) ایشان را از همه بالاتر می‌دانست قضاوت می‌کنی؟ (همان: 257). حضرت در جای دیگر اظهار می‌دارند: اگر دو حدیث مشهور باشد که یکی مطابق قرآن و سنت و مخالف عامه باشد و دیگری مخالف قرآن و سنت و موافق عامه باشد، باید آنچه موافق قرآن و سنت و مخالف عامه است پذیرفته شود؛ یا وقتی دو فقیه، مدعی به دست آوردن حکم از قرآن و سنت باشند و یکی حکمش موافق عامه و دیگری مخالف عامه باشد، امام حکم به حق بودن حکم مخالف عامه می‌دهند (همان: 265). در احتجاج امام(ع) با ابوحنیفه، بعد از پرسشهای متعدد امام از وی و

درماندگی ابوحنیفه در اظهار پاسخ، حضرت به وی می‌فرمایند: تو پنداری بر اساس کتاب خدا فتوا می‌دهی، در حالی که از اهل آن نیستی، و پنداری که صاحب قیاسی، حال آنکه نخست فرد قیاس‌گر، ابلیس ملعون بود. وقتی ابوحنیفه قول داد که دیگر قیاس نکند، امام به وی فرمود: هرگز! بی‌شک حب ریاست تو را رها نخواهد ساخت؛ همان‌طور که پیشینیان را رها نساخت. (همان: 274-275)

ه) نتیجه‌گیری

بازخوانی سنت امام صادق(ع) در مناظره و احتجاج با مدعیان - از مکاتب و ادیان گوناگون - برای نسل حاضر درس آموز است. مناظره‌های حضرت با مدعیان علم و دانش، کلاس درسی آموزنده برای مواجهه علمی و مؤمنانه با صاحبان عقاید و آرای مخالف است؛ مواجهه‌ای در جهت تثبیت و تحکیم نظریات علمی، در عین حفظ ایمان و اعتقاد استوار به مبانی اسلام. مکتب و دانشگاه علمی‌ای که امام صادق(ع) پایه‌گذار آن بود، جلوه بارز فضای باز و آزادی اندیشه و در عین حال، عرصه‌ای جدی برای دفاع از حریم اسلام و اهل بیت(ع) و مذهب امامیه است.

در این مقاله تلاش شد تا با بهره‌گیری از ظرفیتهای تحلیل گفتمان انتقادی، وجوهی از مناظره‌های امام صادق(ع) تحلیل شود. نگاهی به متغیرها و مقوله‌هایی که از تحلیل گفتمان انتقادی مناظره‌ها استخراج شده، نشان‌دهنده بهره‌گیری از واژگانی با بار ارزشی است که در حوزه عقاید دینی، امری طبیعی به نظر می‌رسد. اما نکته مهم آن است که امام از کاربرد واژگانی که خود برساننده معنا برای آنها بوده و با بهره‌گیری از آنها در صدد تخطئه یا تحقیر و منکوب‌سازی خصم برآیند، پرهیز فرمودند؛ و اقتضای عصمت امام نیز همین است. اثبات خود و نفی دیگران، انسجام در کلام و بیان، و بهره‌گیری فراوان از تشبیه و استعاره، از دیگر فنون و توانایی‌های زبانی در مناظره‌های امام با دیگران بود.

از کاوش در مناظرات و احتجاجات امام صادق(ع)، می‌توان نکاتی برای رسیدن به برخی الزامات و بایسته‌ها در مسیر تقویت، غنی‌سازی، پویایی و کارآمدی کرسی‌های نقد و فضای آزاداندیشی، شناسایی کرد:

1. ضرورت اشراف و تسلط کامل بر مبانی و محتوای آموزه‌های دینی. شک نیست که نمی‌توان انتظار داشت تسلط و احاطه امام بر علم الهی و رموز دین و تفسیر آیات الهی از عهده غیرمعصوم برآید، اما نمی‌توان هم با بضاعت اندک در کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی و با بهره از استدلال نه‌چندان قوی، منتظر نتایج درخور توجهی بود. در حال حاضر، موضوعات مختلفی در حوزه‌های علمی و دانشگاهی و حتی در مواجهه با دیگر فرق مدعی اسلام - مانند وهابیت و سلفی‌گری - محل بحث و مجادله است؛ ورود دانشمندان و شخصیت‌های علمی بزرگ به مناظرات علمی در فضایی امن و سالم، روشنگر خواهد بود.

2. بهره‌گیری مناسب از مبانی استدلالی عقلی و نقلی. امام صادق(ع) برای رد مدعیات طرفهای مناظره بر مستندات تأکید داشتند که طرفهای ایشان را ناگزیر به پذیرش نتایج استدلالها می‌کرد. به نظر می‌رسد از علل عدم رواج کافی فضای مناظره و کرسی‌های نقد در مجامع علمی ما، توجه اندک به مبانی مورد اتفاق طرفهای مناظره است. این امر مشکل دیگری نیز در پی خود می‌آورد و آن نداشتن زبان مشترک در مناظره است. دقت در مناظرات امام صادق(ع) نشان می‌دهد که به فراخور بحث، هم استناد به ادله عقلی و نقلی مورد اهتمام ایشان بود و هم بهره‌گیری از زبانی که خصم از درک و فهم آن عاجز نبود.

3. بهره‌گیری از روشهای اقناعی و استدلالی در جهت استحکام بحث و ملموس کردن مباحث ذهنی و عقلی. امام در مناظرات رودرروی خود(که همین ارتباط چهره‌به‌چهره نیز در موفقیت مناظرات مؤثر بود)، با بهره‌گیری مناسب از واژگان رسا، بلیغ و فاقد معانی چندپهلوی و نیز با بهره‌گیری از استعاره و تمثیل، استدلال خود را روشن کرده و با قابلیت فهم فراگیر مطرح می‌کردند. این نکته درخور تأمل است که با وجود آنکه اشکالات و شبهات مطرح از جانب مدعیان، در ظاهر زیرکانه و عالمانه جلوه می‌کرد، اما وقتی با پاسخهای محکم امام روبه‌رو می‌شد، بنیاد آن فرو می‌ریخت؛ آن هم با بیانی که برای بسیاری از مردم قابل فهم و درک بود. از رهگذر این مناظرات، اسلام حقیقی به جویندگان آن نشان داده می‌شد.

4. رعایت اخلاق مناظره. در هیچ یک از مناظرات امام، بداخلاقی، تحریک عواطف و احساسات طرف گفتگو و توهین و بی‌احترامی دیده نشد. البته امام هیچ‌گاه تلاش نکردند برای خوشایند طرفهای مناظره از موضع خود عدول کرده، سخن ناحقی برای نرم کردن دل آنان بر زبان جاری کنند؛ اما رعایت اخلاق مناظره و عدم تخریب دیگری و اهانت به او، از درسهای مناظرات امام است. گفتنی است که امام در مواردی که طرفهای گفتگو با لجاجت بر دین و عقیده باطل خود باقی می‌ماندند، با هشدار و انذار سخن می‌گفتند تا وجدان خفته آنان را بیدار کنند، اما در این کار نیز از مسیر حق خارج نمی‌شدند.

5. از دیگر درسهای مکتب امام صادق(ع) در مناظرات، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تربیت شاگردان میرز برای ایفای نقش هدایتگری؛ بهره‌گیری مناسب از فضای مناظره میان دو جریان اموی و عباسی مدعی قدرت برای پیشبرد اهداف مکتب؛ شجاعت در کلام و صراحت و شفافیت در عین رعایت ملاحظات امنیتی؛ مرزبندی مشخص و معین بین قطب حق و باطل و جلوگیری از ایجاد تردید در مخاطبان؛ انسجام در کلام و استدلال؛ ثبات قدم و ماندن بر موضع حق و کوتاه نیامدن از مواضع برای خوشایند طرفهای مناظره؛ از بین بردن ابهت و اعتبار کاذب مدعیان و عوام‌فریبان با اثبات بی‌اطلاعی و بهره‌اندک آنان از علم. این موارد می‌توانند در تدوین منشور و راهنمای عملی تقویت و ترویج کرسی‌های نقد، مناظره و آزاداندیشی - چه در مجامع عملی و دانشگاهی و چه در عرصه رسانه‌های داخلی و بین‌المللی - به کار آیند.



منابع

- قرآن کریم.
- آذرشب، محمدعلی (1382). تاریخ الادب العربی فی العصر العباسی. تهران: سمت.
- آذرشب، محمدعلی (1392). تاریخ الادب العربی فی العصر العباسی (1). تهران: سمت، چ هفتم.
- آقاگل زاده، فردوس (1385). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- اختری، طاهره و محسن عابدی (1384). «پرتوی از ادب مناظرات امام صادق (ع)». مجموعه مقالات منتخب همایش سراسری علم و معرفت و تضارب آراء در مکتب جعفری. تهران: مرکز تحقیقات حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) واحد خواران.
- بهروزی لک، غلامرضا (1388). «کاربرد تحلیلهای گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی». روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام. به کوشش علی اکبر علیخانی و همکاران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چ دوم.
- پاکتچی، احمد (1389). «جعفر صادق». دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد 18. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. قابل دسترسی در: <http://www.cgie.org.ir/fa/publication/entries/182>
- تاجیک، محمدرضا (1378). میشل فوکو و انقلاب اسلامی. تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- تقی زاده، حسن و علی رضاداد (1386). «مناظرات امام رضا (ع): ویژگی‌ها و روشها». مشکوه، ش 94، بهار.
- حسینی میروصفی، سیده فاطمه (1384). شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق (ع). تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- دهخدا، علی اکبر (1377). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا وابسته به دانشگاه تهران.
- سپنجی، امیر عبدالرضا و نفیسه مؤمن دوست (1390). «اقتناع و تغییر نگرش و جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم: مروری بر مناظرات مکتوب حضرت امام رضا (ع)». دین و ارتباطات، پاییز و زمستان.
- سلطانی، علی اصغر (1384). قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نی.
- سلیمان، عبدالامیر (1384). «دور علمی و الثقافی الامام جعفر الصادق». مجموعه مقالات منتخب همایش سراسری علم و معرفت و تضارب آراء در مکتب جعفری. تهران: مرکز تحقیقات حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) واحد خواران.
- شوقی ضیف (1982). تاریخ الادب العربی (العصر العباسی الاول)، ج 3. طبعه الثامنه، قاهره: دارالمعارف.
- طبرسی، احمد بن علی (1381). احتجاج. ترجمه بهزاد جعفری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجیدی، حسن (1392). «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (ع)». فرهنگ رضوی، بهار.
- میلز، سارا (1382). گفتمان. ترجمه فتاح محمدی. زنجان: هزاره سوم.
- وندایک، تئون (1387). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها (نشر اثر اصلی 1981).

- هاشمی اردکانی، سید حسن و سید ابراهیم میرشاه جعفری (1387). «روش مناظره علمی در سیره آموزشی امام معصوم: مطالعه موردی مناظرات علمی امام رضا(ع)». تربیت اسلامی، ش 32.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (1389). نظریه و روش در تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- Akhtari, T. & M. Abedi (2005). "Beam of Debates Customs of Imam Sadiq (AS)". in: *Proceedings of the National Congress of Knowledge and Exchange of Ideas in Jafari school*. Tehran :Research Center, the Research Department of Imam Sadiq University (AS) Women Branch.
- Aqagolzadeh, Ferdous (2006). **Critical Discourse Analysis**. Tehran: Scientific and Cultural Organization. (In Persian)
- Azarshab, M.A (2003). **History of Arabic Literature in the Abbasids Age**. Tehran: Samt Press. (in Arabic)
- Azarshab, M.A. (2013). **History of Arabic literature in The Abbasids Age** (1). Tehran: Samt Press, Seventh Edition. (in Arabic)
- Behrooz Lak, Gh. (2009). "Application of Discourse Analysis in Islamic Political Studies". *Methodology in Islamic Political Studies*. A. Alikhani and Colleagues. Tehran: Center for Social and Cultural Studies, Second Edition. (In Persian).
- Dehkhoda, A.A. (1998). **Loghatnameh**. Tehran: Institute Affiliated to Tehran University Dehkhoda Dictionary: <http://www.loghatnameh.org>.
- Hashemi Ardakani, Seyed Hassan & S.E. Mirshah Jafari (2008). "Scientific Debate Methods in Teaching Imams Syrah: A Case Study of Scientific Discussions of Imam Reza (AS)". *Biquarterly Journal of Islamic Education*, N. 32, autumn and winter. (In Persian).
- Jorgenson, Marie & Louis Phillips (2010). **Theory and Methods of Critical Discourse Analysis**. Translation: H. Jalili. Tehran: Nashre Nei.
- Majidi, Hassan (2013). "Discourse Analysis of Imam Reza Debates (AS)". *Journal of Razavi culture*, spring. (In Persian).
- Mills, Sara (2003). **Discourse**. Translation: F. Mohammadi. Zanjan: Hizareye sevom. (in persian)
- Myrvasfy Hosseini, S.F. (2005). **Style Debates of Prophets and Imam Sadiq (AS)**. Tehran, Amir Kabir Publications Related International Publishing. (In Persian).
- Pakatchi, A. (2010). "Imam Sadiq": in: *The Great Islamic Encyclopedia*, Vol. XVIII, Available at: <http://www.cgie.org.ir/fa/publication/entries/182>.
- Sepanji, A. & N. Momendoust (2011). "Persuasion and Attitude Change and its Position in the Communication Methodology of Imams: A Review of the Written Debates of Imam Reza (AS)". *The Journal of Religion and Communications*, autumn and winter. (in persian)

- Shoghi Zyf (1982). **History of Arabic Literature** (Alasr Abbasi al-Awwal), Vol. 3, Second Edition. Cairo: Daralmaaref. (In arabic)
- Soleyman, A. (2005). **“Imam Jafar al-Sadiq Scientific and Cultural Role”**. In: *Proceedings of the National Congress of Knowledge and Exchange of Ideas in Jafari School*. Tehran Research Center, the Research Department of Imam Sadiq University. Women Branch. (In Arabic)
- Soltani, A.A. (2005). **Power, Discourse and Language**. Tehran: Nashre Nei. (In Persian).
- Tabarsi, A. (2002). **Alehtejaj**. Translated to Persian: Behzad Jafari. Tehran: Daralkotob al-islamiyya.
- Taghizadeh, Hassan & Ali Rezadad (2007). **“Debates of Imam Reza (AS): Properties and Methods”**. *Meshkat*, No. 94, spring. (In Persian).
- Tajik, M.R. (2009). **Michel Foucault and the Islamic Revolution**. Tehran: Iran's Institute for Development of Knowledge and Research. (In Persian).
- Van Dijk, Teun (2008). **Discourse Studies: from text Grammer to Critical Discourse Seeking** (Selected Papers). Translation Pirooz Izadi and others. Tehran: Center for Media Studies & Research, (Publication of 1981). (In Persian).
- Van Dijk, Teun A. (1998). **“Opinion and Ideologies in the Press”**. In: *Approaches to Media Discourse*. Edited by: Allan Bell & Peter Garrett, Blackwell Publication.

